

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است
■ یکشنبه ۲۹ شهریور ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۲۲۵۴ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان

۲



شترداری ظرفیت ناشناخته
گلستان



۳



تکمیل پروژه‌های نیمه تمام با همکاری
بخش خصوصی



۴



چهار سطر زندگی در دیدار با پدر داستان‌نویسی
گرگان و دشت



مرکز مشاوره

انجام نقشه مغزی و نوروفیدبک
و انواع تست های تشخیصی

کوثر قندهاری

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

گرگان، خیابان ولیعصر (شالیکویی)، عدالت ۱۳، ساختمان
پزشکان قائم، طبقه چهارم، واحد ۱۵

☎ شماره تماس: ۰۹۳۹۷۶۳۰۹۵۱ ☎

یادداشت اول

مدیر خوب گلستان

از نگاه مردم

■ فاطمه سراوانی

در مدیریت دولتی، فاصله میان مدیر پرکار و مدیر اثرگذار گاهی به اندازه فاصله میان گزارش‌های رسمی و واقعیت زندگی مردم است. هر روز در ادبیات اداری از عملکرد مدیران، برنامه‌ها، نشست‌ها، مصوبات و پروژه‌ها سخن گفته می‌شود؛ اما آنچه اعتبار یک مدیر را تعیین می‌کند، نه تعداد جلسات برگزار شده و نه حجم خبرهای منتشر شده، بلکه تغییری است که مردم در نتیجه مدیریت او لمس می‌کنند.

برای افکار عمومی استان گلستان، یک مدیر زمانی شایسته عنوان مدیر خوب است که بتواند میان اختیار قانونی و مسئولیت اجتماعی خود رابطه‌ای واقعی برقرار کند؛ مدیری که مسئله را بشناسد، تصمیم بگیرد، مسئولیت تصمیم خود را بپذیرد و برای نتیجه کار پاسخگو باشد. این چهار مولفه، اگرچه ساده به نظر می‌رسند، اما از مهم‌ترین معیارهای سنجش کارآمدی در نظام اداری هستند.

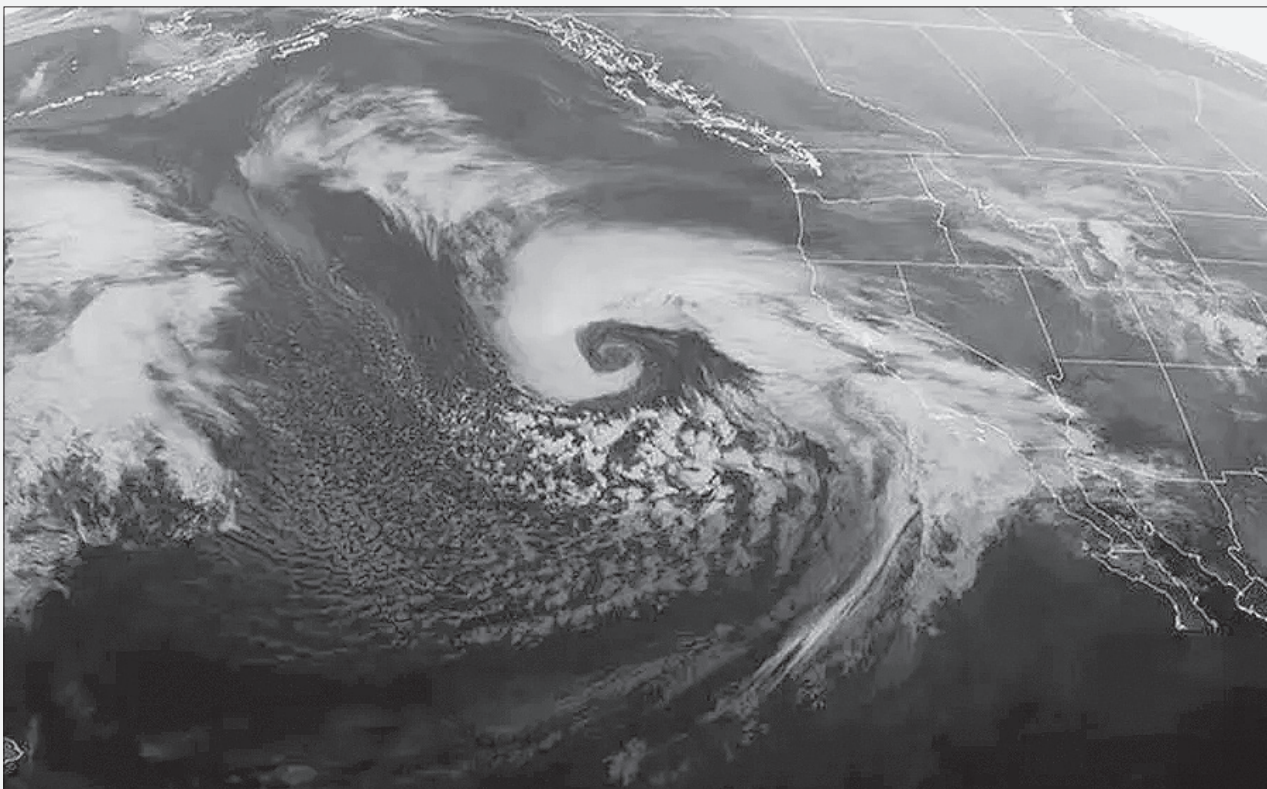
حل مسئله، نخستین شاخص است. مردم از مدیر انتظار ندارند همه مشکلات را یک‌شبه حل کند؛ انتظار دارند برای مسائل مشخص، مسیر روشن داشته باشد و از تکرار وعده‌های بی‌نتیجه پرهیز کند. مدیری که بتواند یک مانع سرمایه‌گذاری را برطرف کند، روند خدمت‌رسانی را کوتاه کند، پروژه‌ای متوقف‌شده را به حرکت درآورد یا یک تصمیم معطل‌مانده را تعیین تکلیف کند، بیش از مدیری که صرفاً تولید خبر می‌کند، در معرض قضاوت افکار عمومی قرار می‌گیرد.

پاسخ‌گویی، شاخص دوم است. مدیر خوب فقط هنگام افتتاح پروژه و اعلام موفقیت حاضر نیست؛ در برابر پرسش‌های دشوار، انتقاد رسانه‌ها و مطالبه مردم نیز توضیح می‌دهد. پذیرش خطا، ارائه اطلاعات شفاف و توضیح درباره چرایی تصمیمات، بخشی از مدیریت مدرن است، نه نشانه ضعف. شاخص سوم، عدالت در دسترسی به خدمات و فرصت‌هاست. مردم باید احساس کنند...

ادامه در صفحه ۲

ال نینو؛

نبرد گلستان با سیلاب



گلستان به دلیل برخورداری از مناطق کوهستانی، دامنه‌ای و جلگه‌ای و شبکه گسترده رودخانه‌ها و آبراهه‌ها، در برابر بارش‌های شدید نیازمند آمادگی ویژه است. بارش سنگین در بالادست می‌تواند در مدت کوتاهی موجب افزایش رواناب و بالا آمدن سطح آب رودخانه‌ها در پایین‌دست شود و در چنین شرایطی، عملکرد مناسب همه اجزای شبکه عبور آب اهمیت پیدا می‌کند.

مدیریت سیلاب؛ مسئولیت مشترک همه دستگاه‌ها

مدیریت سیلاب صرفاً وظیفه شرکت آب منطقه‌ای نیست. کاهش خسارات سیلاب یک مسئولیت

ایرج حیدریان- گلستان باید برای بارش‌های شدید و رخدادهای جدی آماده باشد و در این مسیر، مدیریت سیلاب یک مسئولیت فرابخشی است که نیازمند نقش‌آفرینی جدی همه دستگاه‌های متولی، به‌ویژه در حوزه پل‌ها، سازه‌های تقاطعی، آبخیزداری، راه‌ها و مدیریت شهری است.

پدیده ال‌نینو می‌تواند موجب تغییر در الگوهای بارش و دمای هوا شود و احتمال وقوع رخدادهای جدی مانند بارش‌های سنگین و سیلاب‌های ناگهانی را افزایش دهد. اما برای استان گلستان، صرفاً میزان بارش موضوعیت ندارد؛ بلکه شدت بارندگی، مدت زمان آن، محل وقوع بارش و نحوه عبور رواناب از بالادست به مناطق شهری و روستایی اهمیت بسیار زیادی دارد.

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیر اول

اگر مسیر یک رودخانه یا آبراهه مناسب باشد اما یک پل یا سازه تقاطعی ظرفیت عبور سیلاب را نداشته باشد، همان نقطه می تواند به محل تجمع آب و ایجاد خسارت تبدیل شود. به همین دلیل لازم است تمام پل ها، آبروها، کالورت ها و سایر سازه های تقاطعی در مسیر رودخانه ها و آبراهه ها، پیش از فصل بارش های شدید مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند.

پل ها و سازه های تقاطعی؛ نقاط حساس در زمان سیلاب یکی از موضوعات مهم در گلستان، شناسایی و رفع نقاط حادثه خیز در محل تقاطع راه ها و رودخانه ها است. در زمان سیلاب، ورود شاخه و تنه درختان، رسوبات و نخاله ها به دهانه پل ها می تواند سطح مقطع عبور آب را کاهش داده و موجب پس زدگی و سرریز آب شود. دستگاه های متولی باید بازدیدهای پیشگیرانه از پل ها و سازه های تقاطعی، پاک سازی دهانه ها و آبروها، بررسی ظرفیت عبور سیلاب و شناسایی سازه های دارای نقاط ضعف را در دستور کار قرار دهند.

این موضوع به ویژه در مناطقی که مسیر رودخانه از محدوده های شهری، روستایی یا جاده های اصلی عبور می کند، اهمیت بیشتری دارد و لازم است دستگاه های متولی با رویکرد پیشگیرانه وارد عمل شوند، نه اینکه اقدامات خود را به زمان وقوع حادثه موکول کنند.

نقش مهم آبخیزداری در کنترل رواناب از بالادست

مدیریت سیلاب باید از بالادست حوضه های آبریز آغاز شود. هرچه بتوانیم رواناب را در بالادست کنترل، سرعت جریان را کاهش و نفوذ آب در خاک را افزایش دهیم، فشار کمتری بر رودخانه ها و سازه های پایین دست وارد خواهد شد.

اجرای طرح های آبخیزداری و آبخوانداری، احداث و

نگهداری سازه های کنترل رواناب، حفاظت از پوشش گیاهی و جلوگیری از تخریب عرصه های طبیعی، از جمله اقداماتی است که می تواند در کاهش پیک سیلاب نقش مؤثری داشته باشد.

در این زمینه، دستگاه های متولی منابع طبیعی و آبخیزداری نقش بسیار مهمی دارند و لازم است برنامه های کنترل رواناب در بالادست با برنامه های مدیریت رودخانه در پایین دست به صورت یکپارچه دیده شود.

مدیریت شهری و ضرورت توجه به

آبراهه های داخل شهرها

بخش مهمی از خسارات سیلاب می تواند در محدوده های شهری رخ دهد؛ بنابراین مدیریت شهری باید موضوع هدایت و دفع آب های سطحی، ظرفیت شبکه های جمع آوری رواناب، مسیل ها، آبراهه های شهری و نقاط گلوگاهی را به صورت جدی دنبال کند. توسعه شهری نباید باعث محدود شدن مسیر طبیعی آب شود. هرگونه ساخت و ساز، دیوارکشی، خاکریزی یا دخل و تصرف در مسیر آبراهه ها و مسیل ها می تواند در زمان بارش شدید، مسیر حرکت آب را تغییر داده و خسارت را افزایش دهد.

لازم است شهرداری ها و سایر دستگاه های مرتبط، نقاط بحرانی داخل محدوده های شهری را پیش از آغاز بارش های شدید شناسایی و نسبت به رفع موانع، پاک سازی مسیرهای عبور آب و افزایش آمادگی نیروهای عملیاتی اقدام کنند.

رعایت حریم و بستر رودخانه ها؛ ضرورتی

برای ایمنی مردم

توسعه سکونت گاه ها و زیرساخت ها در حریم رودخانه ها و مسیل ها می تواند آسیب پذیری در برابر سیلاب را افزایش دهد. لازم است دستگاه های مسئول در حوزه ساخت و ساز، صدور مجوز و مدیریت شهری، ضوابط مربوط به حریم و بستر رودخانه ها را با جدیت مورد توجه قرار دهند.

پیشگیری از ایجاد خطر، بسیار کم هزینه تر از جبران خسارت پس از وقوع سیلاب است. بنابراین باید قبل

از فرصت های برابر برای دریافت خدمات عمومی برخوردارند.

در کنار این موارد، سلامت اداری، شفافیت، رضایت ذی نفعان و قابلیت سنجش نتایج عملکرد نیز باید در ارزیابی مدیران مورد توجه قرار گیرد. مدیری که بتوان عملکرد او را با شاخص های روشن و نتایج قابل مشاهده سنجید، بیش از مدیری که کارنامه اش صرفا در قالب آمار و گزارش های اداری ارائه می شود، امکان

از وقوع بارش، نقاط پرخطر شناسایی و برای آنها راهکار عملیاتی تعریف شود.

سدها و تأسیسات آبی؛ بخشی از زنجیره

مدیریت سیلاب

شرکت آب منطقه ای گلستان نیز با توجه به پیش بینی های هواشناسی و شرایط حوضه های آبریز، وضعیت رودخانه ها، مخازن و تأسیسات آبی را به صورت مستمر پایش می کند و متناسب با شرایط، اقدامات لازم برای مدیریت منابع آب و کاهش خطرات احتمالی را انجام خواهد داد.

با این حال، هیچ دستگاه و هیچ سازه ای به تنهایی قادر به مدیریت یک سیلاب گسترده نیست. مدیریت موفق سیلاب نتیجه عملکرد هماهنگ تمام اجزای یک زنجیره است؛ از آبخیزداری در بالادست گرفته تا رودخانه، سد، پل، جاده، شبکه شهری و در نهایت اطلاع رسانی و آمادگی مردم.

آمادگی مشترک؛ مهم ترین راهکار گلستان

با توجه به احتمال تغییر الگوهای بارش، لازم است دستگاه های اجرایی استان از هم اکنون یک برنامه مشترک آمادگی برای رخدادهای بارشی تدوین و نقاط آسیب پذیر را شناسایی کنند.

بازدید مشترک از پل ها و سازه های تقاطعی، شناسایی نقاط گلوگاهی رودخانه ها، بررسی مسیل ها و آبراهه های شهری، پاک سازی مسیرهای عبور رواناب، کنترل ساخت و سازهای واقع در حریم رودخانه ها و تقویت طرح های آبخیزداری با جدیت بیشتری در دستور کار دستگاه های متولی قرار گیرد. در کنار اقدامات دستگاه های اجرایی، مردم نیز باید هشدارهای هواشناسی و مدیریت بحران را جدی بگیرند و از حضور، توقف و تردد غیر ضروری در حریم رودخانه ها و مسیل ها در زمان بارندگی شدید خودداری کنند.

از هر بارش، فرصت بسازیم

نباید بارندگی را صرفا از منظر سیلاب نگاه کنیم. اگر بارش ها با شدت و توزیع مناسب اتفاق بیفتند، می توانند

قضاوت منصفانه افکار عمومی را فراهم می کند.

از این منظر، اگر روزنامه بخواهد از مخاطبان خود بپرسد کدام مدیر دستگاه اجرایی استان گلستان را مدیر خوبی می دانید؟ بهتر است پیش از نام ها، معیارها را روشن کند معیارها شامل اثرگذاری، حل مسئله، پاسخ گویی، شفافیت، سلامت اداری، رضایت ذی نفعان و نتیجه قابل سنجش است.

در همین راستا، مخاطبان روزنامه می توانند دیدگاه،

در تقویت منابع آب سطحی و زیرزمینی استان مؤثر باشند. در عین حال، بارش های شدید و کوتاه مدت عمدتاً رواناب ایجاد می کنند و به همین دلیل لازم است با استفاده از ظرفیت آبخیزداری، آبخوانداری، سدها و سایر زیرساخت ها، تا حد امکان از این منابع بهره برداری شود و از تبدیل آن به خسارت جلوگیری کنیم.

ال نینو؛ آزمون برای هماهنگی دستگاه های گلستان

ال نینو برای گلستان فقط یک پدیده اقلیمی نیست؛ بلکه آزمون برای میزان آمادگی و هماهنگی مجموعه دستگاه های استان است.

شرکت آب منطقه ای گلستان در چارچوب وظایف خود، پایش و مدیریت منابع آب و رودخانه ها را با جدیت دنبال خواهد کرد، اما موفقیت در مدیریت سیلاب زمانی حاصل می شود که همه دستگاه ها در حوزه مسئولیت خود آماده باشند.

آبخیزداری باید رواناب را در بالادست مدیریت کند، دستگاه های متولی راه و پل باید از ایمنی سازه های تقاطعی اطمینان حاصل کنند، مدیریت شهری باید آبراهه ها و شبکه دفع آب های سطحی را آماده نگه دارد، دستگاه های مرتبط با ساخت و ساز باید از تجاوز به حریم رودخانه ها جلوگیری کنند و شرکت آب منطقه ای نیز پایش و مدیریت رودخانه ها و تأسیسات آبی را دنبال کند. «اگر این زنجیره در کنار یکدیگر و پیش از وقوع بارش فعال شود، می توانیم هم از فرصت بارش برای تقویت منابع آب گلستان استفاده کنیم و هم احتمال و شدت خسارات ناشی از سیلاب را به حداقل برسانیم. مدیریت سیلاب، مدیریت یک دستگاه نیست؛ مدیریت یک استان است. پس مسئولیت دستگاه ها را شفاف تر تفکیک کنیم، نقش مدیریت بحران را پررنگ تر کنیم و اقدامات پیشگیرانه هر دستگاه را برجسته تر کنیم.

دکترای منابع آب و مدیر عامل

آب منطقه ای گلستان

تجربه و نظر خود درباره عملکرد مدیران دستگاه های اجرایی استان گلستان را برای روزنامه ارسال کنند. دیدگاه های ارسالی پس از بررسی و انتخاب، در صفحه مخاطبان روزنامه منتشر خواهد شد تا قضاوت درباره عملکرد مدیران، صرفا از پشت میزهای اداری انجام نشود و صدای مردم نیز در این ارزیابی شنیده شود. در چنین ارزیابی ای، مدیر خوب مدیری است که آثار مدیریت او، پیش از سخنانش، دیده و احساس شود.

شترداری ظرفیت ناشناخته گلستان



گلستان نیز گفت: در شمال این استان حدود ۶ هزار و ۲۰۰ نفر شتر نگهداری می شود که می توان با کمک به تکمیل زنجیره نگهداری و پرورش شتر، به ایجاد فرصت های شغلی بیشتر و افزایش درآمد روستاییان کمک کرد. رضا نظری افزود: ایجاد زنجیره شترداری در شهرستان های شمالی استان یکی از برنامه های جهاد کشاورزی گلستان است که به حمایت بیشتر احتیاج دارد. معاون راهبری، امور زیربنایی و اقتصادی معاونت توسعه روستایی و مناطق

محروم ریاست جمهوری نیز در سفر هفته گذشته به گلستان تاکید کرد: حمایت از توسعه پرورش شتر در استان گلستان یکی از اولویت های این معاونت است. محمدابراهیم حسن نژاد اظهار کرد: پروژه توسعه پرورش شتر و ایجاد زنجیره آن در استان گلستان با اولویت توسعه اکولوژیک شتر، تعریف شود و این معاونت هم از اجرایی شدن آن حمایت خواهد کرد. یکی از محققان مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان هم با اشاره به تنوع محصولات و ارزش افزوده بالای شترداری، گفت: شیر شتر به عنوان یک غذای فراسودمند شناخته می شود و در صورت ایجاد زیرساخت های مناسب فرآوری و بسته بندی، می تواند به یکی از محصولات صادراتی استان تبدیل شود. غلامعلی هلاکو اظهار کرد: گوشت شتر، روغن کوهان، کرک و حتی برخی فرآورده های جانبی این حیوان نیز دارای ارزش اقتصادی هستند و توسعه صنایع وابسته می تواند فرصت شغلی متعددی ایجاد کند. وی معتقد است: ایجاد کارخانه های کوچک فرآوری شیر شتر، توسعه صنایع بسته بندی گوشت، تشکیل تعاونی های تخصصی شترداران، تأمین نهاده های مورد نیاز و گسترش آموزش های فنی از جمله اقداماتی است که می تواند مسیر توسعه پایدار این حوزه را هموار کند. بیشترین شترهای پرورشی در استان گلستان از نژاد شیري ترکمن و یک کوهانه بوده و از قابلیت شیردهی فراوان برخوردارند و به گفته کارشناسان، دوره شیردهی این حیوان بیش از یک سال است که به طور میانگین هر نفر شتر در این مدت یک تن شیر تولید می کند.

شترداری بخشی از زندگی و فرهنگ ترکمن های گلستان از گذشته های دور تاکنون و یکی از پایه های اصلی تأمین معاش بخشی از ساکنان مناطق شمالی این استان، همواره مورد توجه خانواده ها قرار داشته که این سبک از زندگی و معیشت قرار است با برنامه ریزی جهاد کشاورزی رنگ و بوی متفاوتی بگیرد. به گزارش ایرنا، برخورداری از دشت وسیع و مراتع فراوان در کنار قابلیت های اقتصادی زیاد، شتر را به یکی از گزینه های اصلی ساکنان مناطق شمالی گلستان از جمله گنبد کاووس، مراوه تپه، آق قلا، گمیشان و بندر ترکمن تبدیل کرده و چرای شتر در بیابان و یا نگهداری آن در خانه های روستایی، تصویری آشنا برای ساکنان این مناطق است. سازگاری این حیوان اهلی و پرفایده با اقلیم خشک در کنار رویش گونه هایی همچون خارشتر، گز، اشنان و آترپلکس به عنوان منابع اصلی تغذیه و علاوه بر آن، امکان بهره برداری مستمر از گوشت، شیر، دوغ و پشم شتر، از جمله های نگهداری این حیوان است. معاون برنامه ریزی و اقتصادی جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به ظرفیت سرمایه گذاری در حوزه شترداری استان، گفت: جهاد کشاورزی استان، توسعه زنجیره شترداری جزو یکی از برنامه های مهم سرمایه گذاری برای ایجاد فرصت های شغلی جدید و افزایش درآمد روستاییان ساکن شهرستان های مرزی گنبد کاووس، مراوه تپه، آق قلا و گمیشان است. حمید حسین پور اظهار کرد: زمینی در شهرستان گمیشان برای اجرای زنجیره شترداری جانمایی شده و به دنبال جذب سرمایه گذار هستیم. معاون بهبود تولیدات دامی جهاد کشاورزی



مراقب شکاف‌های داخلی باشیم



ابراهیم مهدوی

امروز جامعه ایران در موضوع حجاب، بیش از آنکه با مسئله‌ای صرفاً مربوط به «پوشش» روبه‌رو باشد، با مسئله‌ای عمیق‌تر به نام هویت تاریخی، دینی و فرهنگی مواجه است. از یک سو، عده‌ای می‌کشند حجاب را با دستور، بخشنامه، فشار و برخوردهای تند تثبیت کنند؛ غافل از اینکه فرهنگ با اجبار ماندگار نمی‌شود و باور با ترس شکل نمی‌گیرد. از سوی دیگر، برخی نیز در واکنش به این رویکرد، بی‌حجابی را به ابزار اعتراض، مقابله یا حتی عناد تبدیل کرده‌اند. هر دو رویکرد، اگر به افراط کشیده شوند، جامعه را از گفت‌وگوی منطقی دور و شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌کنند. حجاب در فرهنگ اسلامی و در سبک زندگی تاریخی بخش بزرگی از جامعه ایرانی ریشه دارد و نمی‌توان این پیشینه را نادیده گرفت. در عین حال، جامعه امروز را نیز نمی‌توان صرفاً با نسخه‌های دستوری اداره کرد. همان‌گونه که دفاع از ارزش‌های دینی حق شهروندان است، اعتراض به شیوه‌های نادرست برخورد نیز می‌تواند موضوع گفت‌وگو باشد. اما پرسش مهم

این است: در شرایطی که کشور بیش از همیشه به آرامش، همبستگی و اتحاد ملی نیاز دارد، آیا تبدیل حجاب و بی‌حجابی به میدان صف‌آرایی و تقابل اجتماعی به مصلحت جامعه است؟ ممکن است یک نفر با عنوان دفاع از حجاب و دیگری با عنوان دفاع از آزادی پوشش وارد این تقابل شود، اما استمرار آن می‌تواند در نهایت به یک نتیجه منتهی شود: دور شدن مردم از یکدیگر و فرسایش سرمایه اجتماعی. این سخن به معنای نادیده گرفتن مسئله حجاب نیست؛ بلکه سخن از روش و زمان درست پرداختن به آن است. حجاب را نمی‌توان با زور محبوب کرد و بی‌حجابی را نیز نباید الزاماً با عناد یکی دانست. راه عبور از این دوگانه، گفت‌وگو، آموزش، اقناع، احترام به کرامت انسان‌ها و توجه همزمان به ارزش‌های دینی و ریشه‌های فرهنگی و تاریخی ایران است. امروز بیش از آنکه به دو جبهه «حجاب» و «ضدحجاب» نیاز داشته باشیم، به نقطه اشتراکی

به نام ایران نیازمندیم. در روزگاری که کشور با تهدید و جنگ روبه‌روست، حفظ همدلی و انسجام ملی باید بر بسیاری از اختلافات فرعی مقدم باشد.

شاید مهم‌تر از اینکه چه کسی در مناقشه حجاب پیروز شود، این باشد که ایران از این مناقشه، دوپاره و زخمی بیرون نیاید.

حجاب نه با چوب و تهدید ماندگار می‌شود و نه با نفرت و لجبacht از میان می‌رود؛ فرهنگ زمانی ماندگار است که فهمیده، پذیرفته و در فضایی همراه با کرامت و اختیار زندگی شود.



تکمیل پروژه‌های نیمه تمام با همکاری بخش خصوصی

آخرین وضعیت پروژه‌های عمرانی ارائه و بر ضرورت گذار از منابع بودجه عمومی به سمت روش‌های نوین تامین مالی همچون تهاتر و مشارکت بخش خصوصی برای تسريع در تکميل پروژه‌های نیمه تمام تاکيد کرد. قدرت الله عابدي گفت: در مجموع ۷۰۶ پروژه ملی و استانی در گلستان استخراج شده که در راستای تکمیل و اجرای آنها در سنوات گذشته بیش از ۲۵ همت هزینه شده و حدود چهار همت نیز اسناد مسجل شده به عنوان مطالبات باقیمانده و اعتبار مورد نیاز جهت تکمیل آنها بیش از ۱۲۴ همت است که رقم قابل توجهی محسوب می‌شود. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان نیز در این نشست با اشاره به محدودیت‌های کشور در تامین منابع مالی و لزوم پشتیبانی ویژه در شرایط جنگی، پیشبرد پروژه‌های عمرانی با استفاده از بودجه عمومی را امری دشوار قلمداد کرده و بر لزوم استفاده از سایر روش‌های مالی تاکید کرد. سیدمهدی مهبائی افزود: دستگاه‌های اجرایی فرصت باقیمانده تا پایان سال مالی را غنیمت شمرده و برنامه ریزی‌های لازم در خصوص جذب کامل اعتبارات را مدنظر قرار دهند همچنین دستگاه‌هایی که امکان نگهداشت و فرصت بیشتری برای جذب اعتبار دارند نیز باتوجه به امکان کاهش قدرت خرید منابع اعتباری در ماه‌های آتی، جذب اعتبارات در سریع ترین زمان را در اولویت‌های اجرایی خود قرار دهند. وی با اشاره به چالش‌های ناشی از تورم و نوسان قیمت‌ها، بر ضرورت تغییر ساختار تامین مالی پروژه‌ها تاکید کرد و گفت: با توجه به شرایط خاص کشور، انتظار برای بهره‌برداری از پروژه‌ها با منابع بودجه عمومی آن هم با قیمت‌های متغیر امروز، فرایندی بسیار طولانی و دشوار خواهد بود، لذا باید به سمت تامین مالی از طریق تهاتر، مشارکت بخش خصوصی و مولدسازی حرکت کنیم تا مدیریت پروژه‌های نیمه تمام با سرعت بیشتری انجام شود.



بزرگ استان را باز کند. سد چایلی مراوه تپه هم از دیگر پروژه‌های نیمه تمام مورد هدف دولت چهاردهم برای به سرانجام رسیدن است که یکی از اقدامات مهم دولت اختصاص ۴۰۰ هکتار زمین برای جابجایی ۶ روستای کاسه این سد و شروع عملیات آماده سازی آن است که در سفر اخیر معاون رئیس جمهور در امور مناطق محروم به گلستان و این شهرستان مرزی بر شتاب بخشی عملیات اجرایی سایت تاکید شد. مجموعه‌ای از پروژه‌های بزرگ در حوزه انرژی، حمل و نقل، گردشگری، آب، آموزش و زیرساخت‌های اقتصادی در ماه‌های اخیر در گلستان وارد مرحله اجرا یا شتاب بخشی شده‌اند که تکمیل آن‌ها می‌تواند بخشی از عقب ماندگی‌های تاریخی استان را جبران کرده و ظرفیت‌های نهفته این خطه شمالی را به فرصت‌های واقعی توسعه تبدیل کند. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان در نشست شورای فنی استان، گزارشی از

اعلام کارشناسان، در گام نخست با جابجایی روستای جنگلده بالا که بیش از ۸۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد یک سوم سد نرماب آبیگری می‌شود و در گام بعدی تصفیه خانه، خط انتقال و شبکه ایجاد خواهد شد تا ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر از مردم شرق گلستان از آب آشامیدنی مطمئن، سالم و پایدار بهره گیرند، در کنار آن با توجه به آغاز عملیات اجرایی طرح زهکشی و شبکه آبیاری سد نرماب در دهه فجر، امید است برای ۱۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی آب مطمئن تامین و علاوه بر آن به بخش صنعت هم آب مناسب تخصیص داده شود. آغاز عملیات طرح گردشگری آشوراده و شتاب گرفتن سد آقدکش و توسعه زیرساخت‌های راه، انرژی، آموزش، مسکن و سرمایه‌گذاری، از دیگر اقدامات گسترده برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و شتاب بخشی به روند توسعه گلستان است که توانست گره کور پروژه‌های عمرانی

تکمیل پروژه‌های نیمه تمام از اولویت‌های دولت چهاردهم محسوب می‌شود و مسوولان استان گلستان تمام تلاش خود را برای به ثمر رسیدن این پروژه‌ها به کار گرفته‌اند اما محدودیت منابع بودجه عمومی باعث شده راهکارهای دیگری برای رسیدن به این هدف مورد توجه قرار گیرد که مهمترین آن، تامین مالی با مشارکت بخش خصوصی است. به گزارش ایرنا، دولت چهاردهم در حالی سکان مدیریت اجرایی کشور را در دست گرفت که بسیاری از استان‌ها از جمله گلستان با انبوهی از پروژه‌های نیمه تمام، محدودیت منابع مالی و چالش‌های زیرساختی مواجه بودند با این حال، رویکرد دولت در تفویض اختیارات بیشتر به استان‌ها، تسهیل سرمایه‌گذاری و تمرکز بر طرح‌های پیشران توسعه، زمینه را برای فعال‌سازی پروژه‌هایی که سال‌ها در پیچ‌وخم بروکراسی و کمبود اعتبارات متوقف مانده بودند فراهم کرد. راهبرد نخست دولت تکمیل پروژه‌های نیمه تمام و گره‌گشایی از کار مردم در شرایط فعلی است چرا که به سرانجام رساندن این پروژه‌ها باعث جلوگیری از هدر رفت سرمایه می‌شود از جمله در مواردی که شمار زیادی از مردم از آن بهره مند خواهند شد که نمونه آن می‌توان به سد نرماب مینودشت اشاره کرد که با همین رویکرد به سرانجام رسیده و آماده آبیگری است. نماینده مردم مینودشت، گالیکش، کلاله و مراوه تپه در مجلس شورای اسلامی از اختصاص ۲۰ هزار میلیارد ریال اعتبار در ۲ سال گذشته برای تکمیل سد نرماب چهل چای مینودشت خبر داد و بیان کرد: از محل منابع مولد سازی هم ۱۰۰ هزار میلیارد ریال برای تکمیل این سد و احداث شبکه‌های فرعی آن و نیز آبرسانی به نوار مرزی تصویب شده است. به گفته سیدنجیب حسینی، پنج هزار میلیارد ریال از منابع اعتباری برای سد نرماب در سال گذشته بود که ۱۰۰ درصد آن تخصیص یافت ضمن اینکه در صورت جابجایی روستای جنگلده بالا می‌توان تا یک سوم ظرفیت این سد را آبیگری کرد. طبق



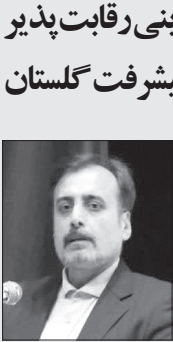
خود، از اجرای حکم صرف‌نظر کردند. به گزارش ایرنا، رییس کل دادگستری گلستان گفت: این دو محکوم که یک زن و یک مرد هستند سال ۱۴۰۰ مرتکب قتل شده بودند که پس از رسیدگی قضایی به پرونده و به درخواست اولیای دم، حکم قصاص آنان صادر شد. محمود اسپانلو افزود: پس از طی تشریفات قانونی، حکم در نوبت اجرا قرار گرفت و در این مدت، نشست‌های متعددی با حضور ریش‌سفیدان، اعضای شورای حل اختلاف و بزرگان خانواده‌های طرفین برای جلب رضایت اولیای دم برگزار شد، اما این تلاش‌ها تا پیش از روز اجرای حکم به نتیجه نرسید. اسپانلو، افزود: چند دقیقه پیش از اجرای حکم و در حالی که چند قدم بیشتر تا اجرای قصاص باقی نمانده بود، دادستان شهرستان بندرگز برای آخرین بار پادرمیانی کرد و از اولیای دم، درخواست گذشت کرد. رئیس کل دادگستری گلستان ادامه داد: در نهایت، اولیای دم با گذشت از حق شرعی و قانونی خود، رضایت دادند و از اجرای حکم قصاص صرف‌نظر کردند.

پادرمیانی دو قاتل بندرگزی را نجات داد

چند دقیقه تا اجرای حکم قصاص دو محکوم به قتل در بندرگز، پادرمیانی دادستان و تلاش‌های انجام‌شده سرانجام نتیجه داد و اولیای دم با گذشت از حق قانونی

نوآوری و کارآفرینی رقابت پذیر

نوامی نوآوری را نمی توان حاصل جمع ساده چند تشکیلات دانست. وجود پارک علم و فناوری، مرکز رشد، کارخانه نوآوری، صندوق، شتاب دهنده یا چند سوله فناوری، به خودی خود به معنای وجود زیست بوم نوآوری نیست. زیست بوم زمانی شکل می گیرد که میان دانشگاه، صنعت، دولت، سرمایه گذاران، کارآفرینان، شرکت های دانش بنیان، نهادهای واسط و جامعه، شبکه ای از تعاملات مستمر و اعتماد متقابل برای خلق ارزش شکل گرفته باشد. در واقع زیست بوم نه یک زیرساخت فیزیکی بلکه یک فضای فرهنگ سرمایه گذاری نوآفرینانه است. برآستی، زیست بوم نوآوری یک «ساختار» نیست؛ یک فرآیند زنده، پویا و خودتقویت شونده است. به همین دلیل، توسعه آن نیز نمی تواند صرفاً از طریق ایجاد ساختارهای جدید و تخصیص بودجه به پروژه های کلیدی دنبال شود. همان طور که با کاشتن تعدادی درخت و یا گردآوردن شماری گونه جانوری و گیاهی نمی توان یک زیست بوم طبیعی را ایجاد کرد زیست بوم نوآوری نیز بیش از آنکه با ساختمان و سوله شکل بگیرد، به اندیشه، پژوهش، اعتماد، تعامل و سرمایه انسانی نیاز دارد. از این منظر، توسعه زیرساخت های فیزیکی البته ضروری است، اما شرط لازم است و نه شرط کافی. حتی می توان با بهره گیری از ظرفیت های موجود دانشگاه ها، دستگاه های اجرایی، مراکز پژوهشی، شهرک های صنعتی و بخش خصوصی، بسیاری از زیرساخت های موجود را در خدمت زیست بوم نوآوری قرار داد و از ایجاد ظرفیت های موازی و کم استفاده جلوگیری کرد. چنین رویکردی هم بهره وری سرمایه گذاری های گذشته را افزایش می دهد و هم منابع محدود استان را از پروژه های صرفاً کلیدی به سمت تقویت جریان واقعی نوآوری هدایت می کند.



دکتر محمدشریف زاده

توسعه استان گلستان در شرایط کنونی، بیش از هر زمان دیگری به توانایی منظومه حکمرانی استان در ایجاد یک زیست بوم پویا، یکپارچه و رقابت پذیر برای نوآوری و کارآفرینی وابسته است. در اقتصادی که مزیت رقابتی مناطق و استان ها بیش از گذشته بر دانش، فناوری، سرمایه انسانی، نوآوری و توانایی تبدیل ایده به ارزش اقتصادی و اجتماعی استوار شده است، دیگر نمی توان توسعه را صرفاً با اجرای پروژه های عمرانی، جذب چند سرمایه گذار، ایجاد چند مرکز یا احداث چند واحد و سازه فناورانه از قبیل سوله و کارخانه... دنبال کرد. استان امروز نه تنها در جذب سرمایه و ایجاد اشتغال، بلکه در جذب و نگهداشت استعدادها، شرکت های دانش بنیان، سرمایه گذاران، کارآفرینان و حتی پروژه های فناورانه با یکدیگر رقابت می کنند. از این منظر، همان گونه که بنگاه های اقتصادی برای جذب سرمایه گذار و نیروی انسانی متخصص باید کدگر رقابت دارند، زیست بوم های نوآوری مناطق نیز ناگزیرند برای جذب منابع و استعداد های محدود و ارزشمند رقابت پذیر باشند. استانی که محیط کسب و کار آن برای ایجاد و توسعه شرکت های نوآور مساعد نباشد، دسترسی مناسبی به منابع مالی خطر پذیر نداشته باشد، زیرساخت های فناورانه و تحقیقاتی آن کافی نباشد، فرآیندهای اداری و مجوزهای آن زمان بر باشد و شبکه مؤثری میان دانشگاه، صنعت، دولت، سرمایه گذار و کارآفرین در آن شکل نگرفته باشد، نمی تواند صرفاً با اعلام آمادگی برای جذب سرمایه گذار، انتظار شکل گیری جریان پایدار سرمایه گذاری و کارآفرینی داشته باشد.

بنابراین، مسئله اصلی استان گلستان نباید صرفاً «جذب سرمایه گذار» باشد؛ بلکه باید ایجاد زیست بومی باشد که سرمایه گذار، کارآفرین، فناور و نیروی انسانی مستعد حضور در آن را جذاب، کم ریسک و دارای چشم انداز رشد ببینند. جذب سرمایه گذار، نتیجه وجود چنین محیطی است، نه نقطه آغاز آن. در واقع استان باید گزاره های ارزش را به سرمایه گذار ارایه دهد که نه لزوماً نه از جنس منابع خام- همانند زمین و عرصه طبیعی و معدن و نظایر آن- بلکه از جنس قابلیت های پویایی باشد که در استان های دیگر کمتر یافت می شود و در عوض از سرمایه گذار، نه تنها پول برای سرمایه گذاری، بلکه انتقال دانش و فناوری، زیرساخت، تربیت نیروی انسانی ماندگار و البته، توسعه برندهای مکان ویژه استانی را طلب کند! در چنین نگاهی شاخص هایی همچون سهولت کسب و کار، سرعت و شفافیت فرآیندهای اداری، دسترسی به زیرساخت های تحقیقاتی و فناورانه، امکان استفاده از آزمایشگاه ها و تجهیزات تخصصی، دسترسی به منابع مالی خطر پذیر، وجود صندوق ها و نهادهای تأمین مالی کارآمد، دسترسی به بازار، کیفیت سرمایه انسانی، پیوند دانشگاه و صنعت، حمایت از شرکت های نوپا، امکان شبکه سازی و دسترسی به خدمات تخصصی، همگی بخشی از زیرساخت رقابت پذیری زیست بوم نوآفرینی استان محسوب می شوند. از این منظر، گلستان نباید خود را صرفاً با وضعیت فعلی خود مقایسه کند؛ بلکه باید با زیست بوم های نوآوری و کارآفرینی موفق کشور رقابت کند و بپرسد: چرا یک کارآفرین، پژوهشگر، فناور یا سرمایه گذار باید گلستان را به جای اصفهان، تهران، مشهد، تبریز یا سایر کانون های نوآوری انتخاب کند؟ چه مزیتی در گلستان وجود دارد که می تواند این انتخاب را توجیه کند؟ و برای تقویت این مزیت، چه مجموعه ای از زیرساخت های نرم و سخت، منابع مالی، خدمات تخصصی، شبکه های ارتباطی و سازوکارهای نهادی باید فراهم شود؟ پاسخ به این پرسش ها، ما را از نگاه پروژه ای و دستگاه محور - از جنس تشکیلات اداری جذب سرمایه در حالی که ساختار اداری و بورکراسی ممکن است خود سرمایه پран باشد- به سمت نگاه زیست بومی سوق می دهد.

زیست بوم نوآوری؛ فراتر از مجموعه ای از دستگاه و ساختمان ها

زیست بوم نوآوری را نمی توان حاصل جمع ساده چند تشکیلات دانست. وجود پارک علم و فناوری، مرکز رشد، کارخانه نوآوری، صندوق، شتاب دهنده یا چند سوله فناوری، به خودی خود به معنای وجود زیست بوم نوآوری نیست. زیست بوم زمانی شکل می گیرد که میان دانشگاه، صنعت، دولت، سرمایه گذاران، کارآفرینان، شرکت های دانش بنیان، نهادهای واسط و جامعه، شبکه ای از تعاملات مستمر و اعتماد متقابل برای خلق ارزش شکل گرفته باشد. در واقع زیست بوم نه یک زیرساخت فیزیکی بلکه یک فضای فرهنگ سرمایه گذاری نوآفرینانه است. برآستی، زیست بوم نوآوری یک «ساختار» نیست؛ یک فرآیند زنده، پویا و خودتقویت شونده است. به همین دلیل، توسعه آن نیز نمی تواند صرفاً از طریق ایجاد ساختارهای جدید و تخصیص بودجه به پروژه های کلیدی دنبال شود. همان طور که با کاشتن تعدادی درخت و یا گردآوردن شماری گونه جانوری و گیاهی نمی توان یک زیست بوم طبیعی را ایجاد کرد زیست بوم نوآوری نیز بیش از آنکه با ساختمان و سوله شکل بگیرد، به اندیشه، پژوهش، اعتماد، تعامل و سرمایه انسانی نیاز دارد. از این منظر، توسعه زیرساخت های فیزیکی البته ضروری است، اما شرط لازم است و نه شرط کافی. حتی می توان با بهره گیری از ظرفیت های موجود دانشگاه ها، دستگاه های اجرایی، مراکز پژوهشی، شهرک های صنعتی و بخش خصوصی، بسیاری از زیرساخت های موجود را در خدمت زیست بوم نوآوری قرار داد و از ایجاد ظرفیت های موازی و کم استفاده جلوگیری کرد. چنین رویکردی هم بهره وری سرمایه گذاری های گذشته را افزایش می دهد و هم منابع محدود استان را از پروژه های صرفاً کلیدی به سمت تقویت جریان واقعی نوآوری هدایت می کند.

گلستان به یک زیست بوم دانشگاه محور و دانش بنیان نیاز دارد.

یکی از مهم ترین الزامات شکل گیری زیست بوم رقابت پذیر در گلستان، دانشگاه محور بودن آن است. منظور از دانشگاه محور بودن این نیست که دانشگاه باید متولی همه امور زیست بوم باشد یا سایر نهادهای نقش خود را از دست بدهند؛ بلکه به این معناست که دانشگاه باید به عنوان یکی از مهم ترین سرچشمه های تولید دانش، فناوری، ایده و سرمایه انسانی، در قلب معماری زیست بوم قرار گیرد. در واقع، اگر فناوری را دانش کاربردی حاصل از پژوهش بدانیم، سرچشمه اصلی فناوری را باید در نظام پژوهش و دانش جست وجو کرد. همان گونه که در متن اصلی نیز آمده است، دانش فنی نه در نهادهای واسط و نه صرفاً در بازار و صنعت شکل می گیرد؛ دانشگاه ها و مراکز پژوهشی یکی از اصلی ترین بسترهای تولید دانش و فناوری اند و صنعت، بازار و نهادهای واسط وظیفه مهم تکامل، اعتبارسنجی، تجاری سازی و انتشار آن را بر عهده دارند. از این منظر، چهار منبع اساسی زیست بوم نوآوری یعنی ایده، دانش فنی، فناوری و سرمایه انسانی مستعد را باید بیش از هر جا در دانشگاه جست وجو کرد. دانشجویان، اعضای هیئت علمی، پژوهشگران، آزمایشگاه ها، پایانه های مطرح های پژوهشی، اختراعات، دانش فنی و شبکه های علمی دانشگاهی، ذخیره عظیمی از ظرفیت های بالقوه نوآوری در استان هستند. اگر این ظرفیت به بازار، صنعت، سرمایه و مسائل واقعی استان متصل شود، می تواند به موتور اصلی شکل گیری شرکت های نوآور و دانش بنیان تبدیل شود. بنابراین، زیست بوم نوآوری گلستان باید دانش بنیان و دانشگاه محور باشد، اما نه به معنای دانشگاه سالاری؛ بلکه به معنای قرار دادن دانشگاه در جایگاه یکی از هسته های اصلی خلق ارزش و اتصال نظام دانش به نظام اقتصادی و اجتماعی استان.

تجربه استان های دیگر؛ بازتاب اهمیت زیست بوم نوآوری دانشگاه محور

تجربه استان هایی همانند اصفهان می تواند از این منظر برای گلستان آموزنده باشد. بخش مهمی از توانمندی امروز زیست بوم نوآوری و کارآفرینی اصفهان را نمی توان مستقل از شکل گیری و توسعه یک زیست بوم دانشگاه محور و فناورانه پیروان دانشگاه ها و نهادهایی همچون شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان تحلیل کرد. شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان در این تجربه، صرفاً یک مجموعه فیزیکی یا یک ساختمان اداری نبوده است؛ بلکه در پیوند با دانشگاه ها، شرکت های فناور، سرمایه گذاران و سایر بازیگران، به یکی از حلقه های مهم اتصال دانش، فناوری، کارآفرینی و بازار تبدیل شده است. این تجربه نشان می دهد که یک نهاد واسط زمانی می تواند نقش مؤثر ایفا کند که واسطه دانشگاه و اقتصاد

باشد، نه جایگزین دانشگاه. دانشگاه فردوسی مشهد در استان خراسان رضوی، دانشگاه تبریز در استان آذربایجان شرقی... نمونه های دیگری از این دست هستند. اخیراً در نشست مدیریتی در یکی از استان های مجاور شرکت داشتیم و مطلع شدم فقط در یک فقره، یکی از دستگاه ها میلیاردها تومان اعتبار مطالعاتی خود را به دانشگاه تخصصی کشاورزی و منابع طبیعی استان تخصیص داده بود زیرا سهم کشاورزی و منابع طبیعی در اقتصاد آن استان قابل ملاحظه است؛ در حالی که مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی معتبری در آن استان دایر هستند و این یعنی نگاه دانشگاه محور و دانش باور در منظومه مدیریتی استان! درس مهم تجربه این استان ها برای گلستان آن است که نمی توان با جدا کردن نهادهای فناوری از سرچشمه دانش، یک زیست بوم قدرتمند ایجاد کرد. نهاد واسط باید جریان دانش و فناوری را از دانشگاه به سمت صنعت و بازار تسهیل کند و متقابلاً نیازهای صنعت و جامعه را به دانشگاه بازگرداند. در چنین معماری ای، پارک علم و فناوری، صندوق، شتاب دهنده، مرکز رشد و سایر نهادهای واسط، حلقه های اتصال هستند، نه جزایر مستقل.

خطر تبدیل نهادهای واسط به بازیگران منفرد یا رقیب دانشگاه یکی از چالش هایی که باید در معماری زیست بوم نوآوری گلستان مورد توجه جدی قرار گیرد، نحوه تعامل نهادهای واسط با دانشگاه است. در وضعیت مطلوب، پارک علم و فناوری، بنیاد نخبگان، صندوق نوآوری و شکوفایی و سایر نهادهای حاکمیتی و واسط باید ظرفیت های خود را در کنار ظرفیت دانشگاه قرار دهند و به هم افزایی آنها کمک کنند. اما اگر این نهادها به جای ایفای نقش واسط و تسهیل گر، خود را کشتگری بی نیاز از دانشگاه، نهاد مرجع برای دانشگاه یا حتی رقیب دانشگاه تصور کنند، معماری زیست بوم دچار اختلال خواهد شد. این مسئله به ویژه زمانی جدی می شود که نهادهای واسط، منابع مالی، امکانات و اختیاراتی در اختیار داشته باشند که ارتباط مؤثری با منابع تولید دانش استان نداشته باشد. در چنین شرایطی ممکن است «فناوری» از «دانش» جدا شود و ساختاری شکل گیرد که در آن، نهادهایی برای حمایت از فناوری وجود دارند، اما پیوند نظام مند و مؤثری با سرچشمه اصلی فناوری ندارند. نقش واقعی نهادهای واسط باید تسهیل گری، شبکه سازی، تأمین مالی، اتصال

چرا یک کارآفرین، پژوهشگر، فناور یا سرمایه گذار باید گلستان را به جای اصفهان، تهران، مشهد، تبریز یا سایر کانون های نوآوری انتخاب کند؟ چه مزیتی در گلستان وجود دارد که می تواند این انتخاب را توجیه کند؟ و برای تقویت این مزیت، چه مجموعه ای از زیر ساخت های نرم و سخت، منابع مالی، خدمات تخصصی، شبکه های ارتباطی و سازو کارهای نهادی باید فراهم شود؟

به بازار، اعتبارسنجی فناوری، کمک به تجاری سازی و کاهش هزینه مبادله میان دانشگاه و صنعت باشد. در این چارچوب، هرچه دانشگاه قوی تر باشد، نهاد واسط نیز باید قوی تر و مؤثر تر شود، نه اینکه برای قوی شدن خود، دانشگاه را به حاشیه براند.

استانداری؛ لزوم حرکت از اقدامات موردی به رویکرد زیست بومی

استانداری و سایر نهادهای حاکمیتی استان نیز در این میان نقشی تعیین کننده دارند. دولت استانی لازم نیست خود به یک بازیگر مستقیم در همه حلقه های زیست بوم تبدیل شود. نقش اصلی آن می تواند رهبری، هماهنگی، تسهیل گری و ایجاد محیط نهادی مساعد برای تعامل بازیگران باشد. برای مثال، تلاش استانداری برای جذب سرمایه گذار، فی نفسه اقدامی مثبت و ضروری است؛ اما اگر این تلاش در قالب مجموعه ای از مذاکرات، سفرها، معرفی پروژه ها و اقدامات موردی و پراکنده انجام شود، بدون آنکه زیست بوم مناسبی برای فعالیت سرمایه گذار در استان ایجاد شده باشد، اثر آن احتمالاً محدود خواهد بود. سرمایه گذار صرفاً با دعوت و مذاکره وارد یک استان نمی شود؛ بلکه مجموعه ای از عوامل را ارزیابی می کند: سهولت راه اندازی و توسعه کسب و کار، ثبات مقررات، دسترسی به زمین و زیرساخت، نیروی انسانی، بازار، زنجیره تأمین، امکان تأمین مالی، دسترسی به خدمات تخصصی، کیفیت حکمرانی، سرعت تصمیم گیری و چشم انداز رشد. بنابراین، جذب سرمایه گذار بیش از آنکه یک رویداد باشد، محصول یک زیست بوم مناسب سرمایه گذاری است. اگر رویکرد زیست بومی وجود نداشته باشد، اقدامات ارزشمند استانداری و سایر دستگاه ها ممکن است به مجموعه ای از فعالیت های منفصل تبدیل شوند؛ یک روز تلاش برای جذب سرمایه گذار، روز دیگر ایجاد یک مرکز، در مقطعی احداث یک زیرساخت و در مقطعی دیگر حمایت از یک شرکت یا طرح. هر یک از این اقدامات ممکن است به تنهایی مفید باشد، اما زمانی که در یک معماری منسجم قرار نگیرند، الی امابه شکل گیری ظرفیت پایدار توسعه منجر نمی شوند.

رقابت پذیری، معیار اصلی ارزیابی زیست بوم گلستان

از این رو، یکی از تغییرات ضروری در سیاست گذاری استان،

کشتی

تغییر پرسش از «چه ساختاری ایجاد کرده ایم؟» به «این زیست بوم تا چه اندازه رقابت پذیر شده است؟». است. زیست بوم نوآوری گلستان باید به صورت مستمر در برابر مجموعه ای از شاخص های رقابت پذیری ارزیابی شود؛ از جمله: سهولت ایجاد و توسعه کسب و کارهای نوآور؛ زمان و هزینه دریافت مجوزها و خدمات اداری؛ دسترسی شرکت ها به زیرساخت های فناورانه و آزمایشگاهی؛ دسترسی به سرمایه و منابع مالی خطر پذیر؛ امکان جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی؛ دسترسی به نیروی انسانی متخصص و مستعد؛ پیوند دانشگاه با صنعت و بازار؛ تعداد و کیفیت شرکت های دانش بنیان و فناور؛ میزان تبدیل پژوهش های دانشگاهی به فناوری و محصول؛ دسترسی به بازارهای ملی و منطقه ای؛ کیفیت خدمات نهادهای واسط؛ میزان همکاری و شبکه سازی میان بازیگران؛ و توانایی زیست بوم در جذب، نگهداشت و بازتولید استعدادها.

این شاخص ها باید به صورت دوره ای با استان های پیشرو مقایسه شوند. چنین مقایسه ای کمک می کند مشخص شود گلستان دقیقاً در کدام حلقه های زنجیره زیست بوم عقب تر است و منابع محدود استان باید در کجا متمرکز شوند.

لزوم تغییر نگاه و تمرکز از «ساختن سازه محور زیست بوم» به «توانمند کردن محتوایی زیست بوم»

بنابراین، هدف سیاست گذاری استان نباید این باشد که صرفاً تعداد بیشتری مرکز، ساختمان، سوله یا عنوان جدید به مجموعه ساختارهای موجود اضافه شود. مسئله اصلی، توانمند کردن شبکه موجود و ایجاد ارتباط مؤثر میان اجزای آن است. همان گونه که در نقد رویکرد سازه محور نیز تأکید شده است، تعدد ساختارها و عناوین جدید، بدون ارزیابی عملکرد ساختارهای موجود و بدون ایجاد فرصت برای بلوغ نهادی آنها، می تواند به گسست نهادی، اتلاف منابع و کاهش اعتماد بازیگران منجر شود. در گلستان، پیش از ایجاد ساختار جدید، باید پرسید: آیا ظرفیت دانشگاه های استان به اندازه کافی در اختیار زیست بوم قرار گرفته است؟ آیا آزمایشگاه ها و کارگاه های موجود به روی شرکت ها و فناوران باز هستند؟ آیا پایان نامه ها و طرح های پژوهشی به نیازهای واقعی استان متصل شده اند؟ آیا سازوکاری برای شناسایی و تبدیل ایده های دانشگاهی به کسب و کار وجود دارد؟ آیا سرمایه گذار به مجموعه ای یکپارچه از خدمات دسترسی دارد؟ آیا نهادهای واسط با یکدیگر و با دانشگاه شبکه شده اند؟ و آیا استان می تواند یک تجربه موفق از مسیر «ایده تا بازار» را به صورت واقعی ارائه کند؟ اگر برآیند پاسخ این پرسش ها مثبت نباشد، افزودن یک ساختار جدید الزاماً مشکل را حل نخواهد کرد.

سخن پایانی

پیشرفت پایدار گلستان در گرو آن است که منظومه حکمرانی استانی از نگاه «پروژه محور» به سمت نگاه «زیست بومی» حرکت کند. توسعه زیست بوم نوآوری و کارآفرینی نباید مجموعه ای از اقدامات پراکنده دستگاه ها باشد؛ بلکه باید یک راهبرد مشترک استانی باشد که دانشگاه، استانداری، پارک علم و فناوری، بنیاد نخبگان، صنعت، بخش خصوصی، سرمایه گذاران، شرکت های دانش بنیان و جامعه را در یک شبکه منسجم و هدفمند به یکدیگر متصل کند. در این میان، دانشگاه باید جایگاه محوری خود را باز یابد؛ نه به عنوان متولی همه امور، بلکه به عنوان یکی از مهم ترین سرچشمه های ایده، دانش فنی، فناوری و سرمایه انسانی. نهادهای واسط نیز باید نقش واقعی خود، یعنی تسهیل گری و اتصال دانشگاه به بازار، صنعت و سرمایه را ایفا کنند. استانداری نیز باید به جای ورود موردی به تکتک پروژه ها، نقش راهبر و هماهنگ کننده زیست بوم را بر عهده گیرد و محیط نهادی و کسب و کار استان را برای فعالیت کارآفرینان و سرمایه گذاران جذاب تر کند. در نهایت، گلستان باید از خود بپرسد که آیا در رقابت میان زیست بوم های نوآوری کشور، مقصد جذابی برای ایده، استعداد، فناوری و سرمایه است یا خیر. اگر پاسخ هنوز منفی یا حتی مبهم است، راه حل را نباید صرفاً در ساخت سوله و ایجاد عنوان های جدید جست وجو کرده بلکه باید ریشه های زیست بوم را تقویت کرد؛ دانشگاه و پژوهش، سرمایه انسانی، زیرساخت تحقیقاتی، گرنت های قابتی، شبکه سازی، سرمایه گذاری خطر پذیر، سهولت کسب و کار، ارتباط با بازار و حکمرانی هماهنگ. زیست بوم رقابت پذیر را نمی توان با یک تصمیم اداری ایجاد کرد؛ اما می توان با سیاست گذاری درست، موانع آن را برداشت، بازیگران آن را به یکدیگر متصل کرد و شرایطی فراهم آورد که نوآوری و کارآفرینی در استان به صورت تدریجی، ارگانیک و خودتقویت شوند؛ نه رشد کند. گلستان برای پیشرفت، بیش از آنکه به یک ساختار جدید، نیاز داشته باشد، به یک زیست بوم جدید برای خلق، پرورش، تأمین مالی و تجاری سازی ایده و دانش نیاز دارد.

استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

مرمت بیش از ۲۵ موقوفه در بافت تاریخی



ایجاد شده و از حدود ۱.۵ سال پیش فعالیت خود را آغاز کرده و دامها در فضای متعلق به موقوفه پرورش داده می شوند. همچنین در فضایی به مساحت حدود یک هکتار نیز مجموعه پرورش ماهی با ظرفیت ۵۰ تن در موقوفه میرسعیدالله ایجاد شده

است. وی با اشاره به فلسفه وقف توضیح داد: مبنای فعالیت مجموعه اوقاف در دو حوزه موقوفات و بقاع متبرکه تعریف شده و در حوزه موقوفات، مهم ترین اصل اجرای دقیق نیت واقف است. مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان افزود: وقف می تواند در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، اشتغال، جوانان، ازدواج، اسکان و سایر موضوعات مورد نیاز جامعه مورد استفاده قرار گیرد. اما نحوه هزینه کرد در آمد هر موقوفه باید بر اساس نیت واقف انجام شود. مهابیان تاکید کرد: تفاوت وقف با بسیاری از مجموعه های دیگر این است که منابع مالی موقوفه علاوه بر داشتن اعتبار، محل مصرف مشخصی دارد که واقف آن را تعیین کرده و مجموعه اوقاف موظف است در آمد موقوفه را در همان چارچوب هزینه کند. وی همچنین با اشاره به نقش وقف در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه گفت: وقف سنتی ریشه دار در دین و فرهنگ مردم ایران است و نیت خیرخواهانه واقفان با هدف کمک به جامعه و فراهم کردن آرامش و آسایش برای آیندگان شکل گرفته است. مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان خاطر نشان کرد: اگر این ظرفیت به درستی مدیریت و احیا شود، می تواند در بخش قابل توجهی از نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد استفاده قرار گیرد البته اثربخشی آن به میزان زیادی به نیت واقف و نحوه اجرای صحیح آن بستگی دارد.

مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان گفت: بیش از ۲۵ موقوفه بافت تاریخی گرگان با استفاده از درآمد موقوفات و مشارکت بخش خصوصی در حال تعمیر و مرمت شد. به گزارش روابط عمومی، حجت الاسلام حسین مهابیان اظهار کرد: یکی از موضوعات مهم در سال های اخیر در حوزه موقوفات، مولدسازی و افزایش بهره وری اقتصادی این ظرفیت ها بوده و در استان گلستان نیز اقدامات مختلفی برای فعال سازی موقوفات کم بازده و استفاده از ظرفیت های موجود انجام شده است. وی با اشاره به اینکه بیش از ۲۵ موقوفه بافت تاریخی گرگان در حال تعمیر و مرمت و ارائه خدمات به مردم هستند، یادآور شد: مجموعه اوقاف در حوزه مولدسازی، ظرفیت های مختلفی را در استان شناسایی و فعال کرده که شامل موقوفات فاقد اعیان، اراضی کشاورزی دارای امکانات اما فاقد درآمد و همچنین اراضی دارای قابلیت سرمایه گذاری در حوزه های مختلف است. مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان گفت: در استان بزرگترین باغ موقوفه کشور با وسعت ۳۶۲ هکتار زمین آبیاری مکانیزه در آزادشهر وجود دارد که محصولات آن علاوه بر تامین نیاز داخل کشور، صادر نیز می شود. مهابیان با اشاره به ایجاد واحد پرورش دام سبک در موقوفه میرسعیدالله افزود: در این موقوفه مجموعه پرورش دام سبک با ظرفیت ۱۰ هزار رأس

«آگهی ثبتی»

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۱۲۰۰۸۰۰۳۳۰۲ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵/۱۱/۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۱۹۰ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی مشد برهان فرزند تاج محمد شماره شناسنامه ۴۵۱ کدملی ۴۹۷۹۷۲۲۱۰۵ صادره آق قلا در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۱۴ مترمربع مغروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره دو اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه دوگونچی، بخش ۶ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
تاریخ انتشارنوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۹
احمد نبویان- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا ازطرف علی برقی م الف: ۶۶۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳/۱۱/۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۷۹۴ تقاضای آقای مهدی صالح آبادی به شماره شناسنامه ۲۲۷ و کدملی ۲۱۲۲۸۱۱۸۴۶ فرزند علی اکبر در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی که ۲ دانگ مشاع از شش دانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۷۶۰۹۳ مترمربع از پلاک شماره ۲۶۴ اصلی واقع در اراضی انجیراب بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹
جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۲۲۶۸۸۴۷

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳/۱۱/۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۲۶۲۱ تقاضای آقای امین اله صابر نوچمنی به شماره شناسنامه ۵۴۱ و کد ملی ۲۱۲۱۰۹۸۷۵۵ فرزند نبی اله در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای بمساحت ۵۳۸۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۳۵۵- اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۳
جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۲۲۸۱۳۸۸

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به اجرای مرمت و لکه گیری آسفالت در معابر زیر ۶ متر سطح شهر (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ بر آورد اولیه ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۳۳۸ / ۶۴ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای رسته کاری اشخاص حقیقی یا حقوقی دارای مجوزات لازم از محل ردیف ۲۱۰۳۰۰ بودجه شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت های واجدالشرايط می توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ لغایت مورخه ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مجید طاهری- شهردار گرگان- شناسه آگهی ۲۲۸۰۹۰۴

آگهی مزایده عمومی

شهرداری گرگان با استناد به ماده ۳۰ آئین نامه معاملات شهرداری ها در نظر دارد

به منظور فروش ۸ دستگاه پله برقی دمونتاژ شده در انبار شهرداری گرگان بر مبنای پایه قیمت کارشناس رسمی دادگستری جمعاً به مبلغ ۱۴۰,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بشرح جدول ذیل (بصورت یکجا) از طریق مزایده عمومی اقدام نماید. لذا متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ لغایت پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ به نشانی اینترنتی WWW.Setadiran.ir مراجعه نمایند.

تلفن تماس: امور قراردادها: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲ اداره املاک: ۰۱۷۳۲۲۴۳۸۸۰

مجید طاهری- شهردار گرگان- شناسه آگهی ۲۲۸۱۱۲۳



گرگان و گلستان با نیروهایی که از این استان برخاسته‌اند و امروز در سطح ملی فعالیت می‌کنند، چه نسبتی دارند؟
ماجرای فقط یک پیام تبریک نیست طبیعی است که هر انتصاب ملی قرار نیست در زادگاه فرد به یک رویداد عمومی تبدیل شود. اما درباره کسی مانند دکتر خاندوزی، موضوع فقط یک عنوان اداری نیست. او در دوره مسئولیت خود در وزارت اقتصاد، در پیگیری برخی مسائل اقتصادی و زیرساختی گلستان نیز حضور پررنگی داشت. از جمله، در موضوع سرمایه‌گذاری برای پتروشیمی گلستان و توسعه نیروگاه علی‌آبادکنول نقش و پیگیری مستقیم داشت؛ موضوعاتی که در آن مقطع در خبرهای رسمی استان نیز بازتاب یافتند. بنابراین انتظار می‌رفت این انتصاب، دست‌کم بهانه‌ای برای یادآوری مسیر طی‌شده، قدردانی از یک نیروی برخاسته از گرگان و استان و گفت‌وگویی درباره ادامه ارتباط او با مسائل استان باشد.

اما مسئله مهم‌تر از خود دکتر خاندوزی این است که: گلستان و گرگان با سرمایه انسانی خود در خارج از استان چه می‌کنند؟

وقتی ارتباط فقط هنگام نیاز شکل می‌گیرد. در تهران و دیگر شهرهای کشور، گلستانی‌های زیادی در دانشگاه‌ها، دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌ها و بخش خصوصی فعالیت می‌کنند. برخی از آنها در همان حوزه‌هایی کار می‌کنند که گلستان برای حل مسائل خود به دانش، تجربه یا ارتباطات آنها نیاز دارد.

اما آیا استان آنها را می‌شناسد؟
آیا می‌داند چه کسانی در دستگاه‌های ملی حضور دارند؟ چه تخصصی دارند؟ در چه حوزه‌ای می‌توانند کمک کنند؟ و وقتی یک مسئله مشخص در استان پیش می‌آید، چه کسی باید با آنها ارتباط بگیرد؟

اگر پاسخ این پرسش‌ها روشن نباشد، رابطه استان با سرمایه انسانی خود بیشتر به ارتباط‌های شخصی و مقطعی وابسته می‌شود.

این وضعیت ممکن است درباره بعضی شخصیت‌های ملی، به تدریج به فاصله گرفتن از مسائل استان نیز منجر شود. البته نمی‌توان گفت هر شخصیتی که کمتر در امور گلستان حضور دارد، حتماً از استان دل‌زده یا بی‌علاقه شده است. عوامل مختلفی می‌تواند در این فاصله نقش داشته باشد؛ از مشغله‌های شغلی گرفته تا فضای سیاسی و اداری استان و تجربه‌ای که افراد از همکاری‌های گذشته داشته‌اند.

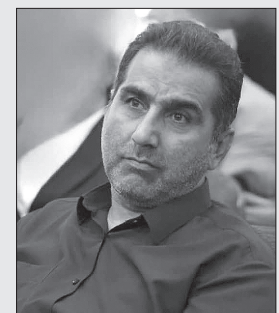
اما یک پرسش همچنان پابرجاست:
آیا گلستان برای حفظ ارتباط با سرمایه‌های انسانی خود، مسیر مشخص و قابل اعتمادی ساخته است؟

چرا پیگیری‌ها پراکنده می‌شود؟
یکی از مشکلات معمول در چنین ارتباط‌هایی این است که هر موضوع از یک مسیر جداگانه دنبال می‌شود. یک نفر با یک مدیر تماس می‌گیرد، گروهی دیگر همان مسئله را از مسیر دیگری پیگیری می‌کنند و در نهایت معلوم نیست چه کسی مسئول جمع‌بندی و ادامه کار است. در چنین شرایطی حتی افراد علاقه‌مند نیز ممکن است بعد از مدتی از ادامه پیگیری خسته شوند. مسئله الزام نبود افراد توانمند نیست؛ گاهی نبود یک مسیر روشن برای ارتباط میان صاحب مسئله و صاحب ظرفیت است.

گلستان می‌تواند برای این موضوع یک دبیرخانه یا سازوکار حرفه‌ای و غیرجناحی ایجاد کند؛ نه برای جمع‌آوری اسامی و برگزاری جلسات تشریفاتی، بلکه برای اینکه مسائل مشخص استان

«

خاندوزی در یک جایگاه اقتصادی موثر



عین‌اله تاجیک

گاهی یک انتصاب فقط خبر جابه‌جایی یک مدیر نیست. وقتی فردی از یک شهر برخاسته و سال‌ها بعد در یکی از جایگاه‌های مهم مسئولیت کشوری قرار می‌گیرد، خبر برای زادگاه او نیز می‌تواند معنایی فراتر از یک پیام تبریک یا انتشار چند خبر محلی داشته باشد.

۲۴ شهریور امسال، دکتر سید احسان خاندوزی به‌عنوان رئیس جدید کارگروه بررسی‌های اقتصادی معاونت بررسی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی معرفی و جایگزین علی‌آقامحمدی شد. در این مراسم از ۳۶ سال فعالیت آقامحمدی نیز تقدیر شد. دکتر خاندوزی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی است و پیش از این مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی را در دولت شهید رئیسی بر عهده داشت. خاندوزی متولد گرگان است و نام او در سال‌های گذشته، از فعالیت‌های دانشگاهی و کارشناسی در مرکز پژوهش‌های مجلس تا حضور در مجلس و دولت، بارها در سطح ملی مطرح شده است. در یک هفته گذشته اصل خبر این انتصاب در رسانه‌های ملی بازتاب یافت، اما به نظر می‌رسد بازتاب آن در فضای رسانه‌ای و عمومی گلستان چندان گسترده نبوده است. حتی تا آنجا که نگارنده مشاهده کرده، در گرگان نشانی از یک تبریک عمومی درخور این انتصاب دیده نشد. البته از این مشاهده نمی‌توان نتیجه گرفت که استان نسبت به دکتر خاندوزی بی‌توجه بوده است. اما همین تفاوت میان بازتاب ملی خبر و بازتاب محلی آن، یک سؤال را پیش می‌کشد:

را به افراد مناسب برساند و نتیجه پیگیری‌ها را دنبال کند.

استاندار چه نقشی دارد؟
طهماسبی استاندار گلستان در دولت چهاردهم در این میان می‌تواند نقطه اتصال دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی و شخصیت‌های ملی گلستانی باشد.

لازم نیست برای این کار ساختار بزرگی ایجاد شود. ابتدا می‌توان چند مسئله مهم استان را مشخص کرد و برای هرکدام، سراغ افراد متخصص رفت که در سطح ملی تجربه یا ارتباط مرتبط دارند. اگر این ارتباط به نتیجه رسید، ادامه پیدا کند؛ اگر هم نتیجه نداد، دلیل آن مشخص شود. چنین رویکردی از دعوت‌های مناسبتی و نشست‌های عمومی فاصله می‌گیرد و ارتباط را به یک کار مشخص تبدیل می‌کند.

نقش حضرت آیت‌الله نورمفیدی، نماینده ولی‌فقیه در گلستان، نیز در چنین فرایندی می‌تواند بیشتر در ایجاد فضای اعتماد و نزدیک کردن جریان‌های مختلف استان تعریف شود؛ نه ورود به امور اجرایی، بلکه کمک به اینکه سرمایه‌های انسانی استان به وابستگی‌های جناحی تقلیل پیدا نکنند و امکان گفت‌وگو درباره مسائل مشترک استان فراهم باشد.

آیا وقت یک گفت‌وگوی جدی نرسیده است؟
شاید گلستان به جای یک مراسم دیگر، به یک گفت‌وگوی جدی درباره سرمایه انسانی خود نیاز دارد. می‌توان نشست‌هایی که تاکنون برای پیشرفت گلستان همانند سایر استان‌ها مانند کرمان و اصفهان و... با حضور گلستانی‌های فعال در سطح ملی، مدیران استان، دانشگاهیان، بخش خصوصی و نمایندگان دستگاه‌های ملی برگزار نشد را در سایه وفاق و همدلی برگزار کرد؛ اما این نشست زمانی ارزش دارد که با فهرستی از مسائل واقعی استان همراه باشد.

پتروشیمی، آب، خلیج گرگان، انرژی، راه‌آهن، کشاورزی، گردشگری و سرمایه‌گذاری فقط چند عنوان کلی نیستند. برای هرکدام می‌توان یک مسئله مشخص تعریف کرد و از افراد متخصص خواست درباره مسیر حل آن نظر بدهند. بعد از جلسه و نشست‌های مشترک نیز باید معلوم باشد در کارگروه‌های تخصصی چه کسی یا کسانی مصوبات را پیگیری می‌کنند و نتیجه و دستاورد آن چه بوده است. در غیر این صورت، حتی بهترین نشست‌ها هم ممکن است در حد یک عکس گروهی و چند خبر باقی بمانند.

دکتر خاندوزی؛ یک انتصاب یا یک یادآوری؟
انتصاب دکتر احسان خاندوزی در جایگاه جدید،

در درجه نخست یک خبر ملی است. اما برای گرگان و گلستان می‌تواند یادآور موضوعی بزرگ‌تر باشد: اینکه بخشی از سرمایه انسانی استان سال‌هاست خارج از مرزهای جغرافیایی آن زندگی و فعالیت می‌کند.

شاید بهتر باشد به جای اینکه فقط درباره تعداد پیام‌های تبریک یا میزان بازتاب خبر صحبت کنیم، سؤال دیگری را دنبال کنیم:

گلستان برای ارتباط با سرمایه‌های انسانی خود در خارج از استان چه کرده است؟

اگر سازوکاری وجود دارد، نتیجه آن کجاست؟ اگر وجود ندارد، چه کسی باید شروعش کند؟ این پرسش را نمی‌توان با یک مراسم یا یک پیام تبریک پاسخ داد. پاسخ زمانی روشن می‌شود که یک مسئله واقعی استان روی میز قرار گیرد و معلوم شود آیا میان آن مسئله و گلستانی‌هایی که در سطح ملی تجربه و تخصص دارند، ارتباطی شکل می‌گیرد یا نه.

در غیر این صورت، با ادامه بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی، پیگیری‌های جزیره‌ای، مناسبات فرسایشی و گاه نخبه‌سوزی و شخصیت‌سوزی، نمی‌توان کورسوی امید جدی برای توسعه شهر و استان متصور بود. استانی که نیروهای ملی خود را به رسمیت نمی‌شناسد، از آنان قدردانی نمی‌کند و برای ارتباط و پیگیری مطالبات سازوکار حرفه‌ای ندارد، به تدریج سرمایه‌های خود را از دست می‌دهد. به امید آن روز، که خبر یک انتصاب دیگر فقط خبر یک انتصاب نباشد؛ معلوم شود زادگاه یک مدیر ملی، برای ارتباط با سرمایه انسانی خود نیز برنامه‌ای هدفمند و مشخص دارد.

فعال رسانه



قصه تکراری آبگرفتگی و کام تلخ گنبدی‌ها

مسیرهای اصلی هدایت آب و پروژه‌های مورد نیاز شناسایی و اولویت‌بندی شدند که اجرای کامل آن به منابع مالی قابل توجهی نیاز دارد که در توان شهرداری نیست اما شهرداری هم درحد توان از منابع داخلی برای عملیاتی کردن آن استفاده می‌کند. وی در پاسخ به اینکه آیا شهرداری گنبدکاوس همانند سنوات گذشته منازل مسکونی و واحدهای تجاری این شهر را در مقابل حوادث طبیعی و غیرمترقیه بیمه کرده است؟ گفت: از نظر قانونی شهرداری تکلیفی برای بیمه کردن منازل واحدهای تجاری سطح شهر در برابر حوادث و خسارات ناشی از آبگرفتگی ندارد و انجام چنین کاری یک اقدام پیشگیرانه بوده که باید توسط شهروندان انجام شود. وی افزود: باتوجه به بارش‌های اخیر و احتمال وقوع بارندگی‌های شدید و رگباری، توصیه شهرداری به مالکان و صاحبان واحدهای مسکونی و تجاری به‌خصوص در نقاط مستعد آبگرفتگی این است که شخصا نسبت به تهیه بیمه‌نامه مناسب حوادث و خسارات احتمالی اقدام کنند. لطفی اضافه کرد: شهرداری وظایف قانونی خود در زمینه نگهداری، اصلاح و توسعه مسیرهای هدایت آب‌های سطحی و نیز ایجاد زیرساخت‌های لازم را متناسب با منابع موجود داخلی و با جدیت دنبال می‌کند. شهردار گنبدکاوس همچنین از ریختن زباله، نخاله ساختمانی و ضایعات پلاستیکی در جداول و کانال‌های هدایت آب‌های سطحی توسط برخی شهروندان گله کرد و گفت: انجام چنین اقداماتی سبب مسدود شدن یا کاهش ظرفیت عبور آب از کانال‌ها بویژه هنگام بارندگی و در نهایت سبب آبگرفتگی معابر می‌شود.

پیشرفت ۵۳ درصدی طرح ۳۰ ساله جمع آوری فاضلاب گنبدکاوس

مدیر امور آب و فاضلاب گنبدکاوس هم گفت: طرح ملی جمع آوری فاضلاب این شهر باگذشت سه دهه از شروع عملیات اجرایی آن اکنون به ۵۳ درصد پیشرفت فیزیکی رسیده است. حسین سعیدی‌راد بایان اینکه شتاب بخشی و ادامه عملیات اجرایی این پروژه در دستورکار قرار دارد، افزود: عملیات احداث ایستگاه پمپاژ در سه نقطه خیابان سرابی، خیابان گلشن غربی و محله خالندبی توسط پیمانکار درحال انجام است. وی بایان اینکه حجم ورود فاضلاب خانگی به جداول هدایت آب‌های سطحی گنبدکاوس ناچیز است، اضافه کرد: شهروندان به جای هدایت فاضلاب خانگی به جداول هدایت آب‌های سطحی و یا استفاده از چاه جذبی، به سبب بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی دراین شهر نسبت به احداث سیستم سپتیک فاضلاب اقدام کنند. سعیدی‌راد، ادامه داد: در صورت احداث سیستم سپتیک فاضلاب بویژه برای مجتمع‌های مسکونی در شهر گنبدکاوس با نظارت شهرداری و نظام مهندسی، حجم ورود فاضلاب خانگی به جداول هدایت آب‌های سطحی هم بشدت کاهش خواهد یافت.



دنبال کرده است، اضافه کرد: شهرداری گنبدکاوس طی سال‌های گذشته و به‌ویژه در آستانه فصل بارندگی، اقدامات متعددی برای کاهش آبگرفتگی انجام داده که لایروبی و پاکسازی جداول و کانال‌های هدایت آب، رفع انسداد درپچه‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی، اصلاح نقاط دارای مشکل، بازدید از مسیرهای انتقال آب و آماده‌سازی نیروها، ماشین‌آلات و تجهیزات برای زمان بارندگی بخشی از آنهاست. شهردار گنبدکاوس ادامه داد: در زمان بارندگی هم نیروهای اجرایی و خدمات شهری این نهاد خدماتی در نقاط حساس حضور پیدا کرده و تلاش می‌کنند در کوتاه‌ترین زمان ممکن نسبت به رفع انسدادها و هدایت آب اقدام شود. لطفی همچنین تصریح کرد: نگاه شهرداری گنبدکاوس صرفا مدیریت آبگرفتگی‌ها در زمان بارندگی نیست و شهرداری منتظر وقوع بحران یا تخصیص اعتبارات جدید نمانده است بلکه در ماه‌های اخیر از محل منابع داخلی شهرداری، مبلغ قابل توجهی برای توسعه زیرساخت‌های دفع و هدایت آب‌های سطحی هزینه کرده است. وی، اجرای پروژه‌هایی مانند لوله‌گذاری، افزایش ظرفیت مسیرهای انتقال آب و تقویت زیرساخت‌های موجود در نقاط دارای اولویت بخشی از اقدامات شهرداری گنبدکاوس برشمرد و گفت: این اقدامات نشان دهنده رویکرد شهرداری برای حرکت از مدیریت واکنشی آبگرفتگی به سمت مدیریت پیشگیرانه و تقویت زیرساخت‌های پایدار شهری است.

انجام مطالعات طرح جامع ساماندهی و جمع‌آوری آب‌های سطحی

لطفی از انجام مطالعات جامع طرح ساماندهی، جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی شهر گنبدکاوس هم خبر داد و افزود: براساس این مطالعات، نقاط بحرانی

الگوی بارش‌ها در سال‌های اخیر را دارای اهمیت دانست و اضافه کرد: بارش‌های شدید و رگباری که حجم زیادی از آب را در مدت کوتاهی وارد شهر می‌کنند فشار قابل توجهی به شبکه دفع آب‌های سطحی وارد و ضرورت تقویت زیرساخت‌ها متناسب با شرایط اقلیمی جدید را دوچندان کرده است.

نبود سیستم جمع آوری فاضلاب شهری

شهردار گنبدکاوس، نبود سیستم و تأسیسات جمع‌آوری و دفع فاضلاب شهری و سیستم آگو (سیستم هدایت و دفع فاضلاب شهری و خانگی که به‌صورت زیر زمینی فاضلاب را به تصفیه‌خانه و بیرون شهر هدایت می‌کند) در این شهر را از دیگر عوامل اصلی بروز آبگرفتگی‌ها هنگام بارش دانست و ادامه داد: در شرایط موجود، بخشی از فاضلاب و پساب منازل مسکونی شهروندان از مسیرهای نامناسب وارد جداول هدایت آب‌های سطحی می‌شود که علاوه بر تبعات بهداشتی و زیست‌محیطی می‌تواند بر عملکرد این مسیرها نیز تأثیرگذار باشد. وی همچنین از ورود بخشی از آب‌های سطحی و روان آب برخی روستاهای پیرامونی گنبدکاوس که فاقد شبکه مناسب جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی هستند، در زمان بارندگی به سمت محدوده شهری گنبدکاوس خبر داد و گفت: این مسئله نیز در برخی نقاط بر حجم آب ورودی به شهر و شبکه دفع آب‌های سطحی اضافه می‌کند. لطفی افزود: افزایش سطوح آسفالت و نفوذناپذیر آن، توسعه کالبدی شهر، ظرفیت برخی مسیرهای قدیمی هدایت آب و ورود زباله و نخاله به جداول و درپچه‌های جمع‌آوری آب از دیگر عوامل موثر در آبگرفتگی معابر شهری هنگام بارش باران است. وی بایان اینکه شهرداری موضوع آبگرفتگی معابر را صرفا به عوامل طبیعی و زیرساختی محدود نکرده و مسئولیت خود را به‌صورت جدی

باران که می‌بارد ساکن شهر خشک و نیمه‌بیابانی گنبدکاوس به جای خوشحالی از ریزش این نعمت الهی، نگران تبعات سخت و دشوار باران مانند آبگرفتگی‌های کوچه و خیابان‌ها و دردرسهای همیشگی و طولانی مدت آن هستند چرا که هر باران می‌تواند معابر این شهر را به دریاچه‌ای کوچک و غیرقابل تردد تبدیل کند. به گزارش ایرنا، گنبدکاوس ۱۸۰ هزار نفر جمعیت و ۲۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و به دلیل شرایط «توپوگرافی» یا هم‌ترازی زمین در نقاط مختلف آن، بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی، کوچک، کم عمق و قدیمی بودن اکثر جداول و کانال‌های هدایت آب‌های سطحی و ورود فاضلاب‌های خانگی به آنها با کمترین بارش باران، دچار آبگرفتگی معابر در بیشتر نقاط می‌شود. وقوع چند فقره بارش تابستانی که آخرین آن شامگاه ۱۹ شهریور امسال در کمتر از ۲ ساعت به میزان ۲۲.۱ میلی‌متر بارید باز هم سبب آبگرفتگی تعداد زیادی از کوچه و خیابان‌های پرتردد و ایجاد مشکلات و خساراتی برای شهروندان شد. آبگرفتگی معابر شهری گنبدکاوس معضلی حداقل ۴۰ ساله است که براساس آن متولیان شرکت آب و فاضلاب تصمیم به اجرای طرح ملی جمع آوری فاضلاب این شهر از اوایل دهه ۷۰ گرفتند اما این طرح و حرکت لاک پشتی آن هنوز به نیمه راه هم نرسیده و افتتاح نمایی آن در ۱۴۰۲ در عمل مشکلی از معضل آبگرفتگی‌ها حل نکرد. روند کند اجرای این طرح ملی و ورود فاضلاب خانگی به جداول و کانال‌های هدایت آب‌های سطحی و در نهایت ورود فاضلاب به ۲ رودخانه واقع در قسمت شمال و جنوب گنبدکاوس سبب آلودگی زیست محیطی و بوی تعفن ناشی از آن شده که بسیاری از شهروندان از آن گله دارند.

عذرخواهی شهردار گنبدکاوس از شهروندان

شهردار گنبدکاوس، ضمن عذرخواهی از شهروندان و کسبه و بازاریان این شهر به سبب آبگرفتگی‌های اخیر و مشکلاتی که برای آنها ایجاد شد، گفت: می‌دانیم که آبگرفتگی معابر حتی اگر در مدت کوتاهی اتفاق بیفتد می‌تواند برای مردم مشکلات و نگرانی‌هایی ایجاد کند و قطعاً انتظار شهروندان از مدیریت شهری این است که برای کاهش این مشکلات با تمام ظرفیت پای کار باشد در عین حال، وظیفه خود می‌دانم با مردم شفاف صحبت کنم. امیرعلی لطفی در تشریح دلایل اصلی آبگرفتگی معابر شهری گنبدکاوس، گفت: آبگرفتگی در این شهر یک موضوع چند عاملی است و مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، اقلیمی و زیرساختی در بروز آن نقش دارند. وی افزود: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهر گنبدکاوس، مسطح بودن بخش قابل توجهی از اراضی و پایین بودن شیب طبیعی در برخی مناطق آن است به همین دلیل در زمان بارندگی‌های شدید و رگباری، سرعت تخلیه طبیعی آب کاهش پیدا می‌کند. لطفی، شرایط اقلیمی و تغییر

تعاونی‌ها دروازه ورود به بازار کشورهای همسایه

تعاونی‌ها به دلیل توزیع در آمد میان چند نفر،

به بخش خصوصی تک‌نفره

ترجیح دارند و ابزار ارتقای درآمد مردم به‌ویژه در مناطق محروم و مرزی محسوب می‌شوند که از جمله آن، ظرفیت ۱۳ شرکت تعاونی مرزنشین گلستان است که می‌توان از آن برای حضور جدی‌تر استان در بازارهای ملی و کشورهای همسایه استفاده کرد که نتیجه آن سهم بیشتر در تولید، اشتغال

صادراتی به ویژه در آسیای میانه و پوشش بخشی از بازار مصرف ۲۰۰ میلیون نفری این منطقه دارد. در این میان شرکت‌های تعاونی صادرات‌محور به عنوان نهادهای مردمی و مشارکتی، با تجمع توان تولیدکنندگان خرد، ارتقای کیفیت محصولات، بسته‌بندی استاندارد و بازاریابی هدفمند، مسیر صادرات را هموار می‌کنند و سهم گلستان را در تجارت بین‌المللی افزایش می‌دهند. ایوب هلاکو مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان با تأکید بر اینکه توسعه بازارهای صادراتی و تقویت تعاونی‌ها می‌تواند نقش موثری در رونق تولید، اشتغال و افزایش سهم استان از تجارت خارجی داشته باشد، گفت: ۴۵ تعاونی گلستان در سال ۱۴۰۴ در مجموع حدود ۳۴ میلیون دلار صادرات داشتند که بخشی از این محصولات به کشورهای آسیای میانه و بخشی نیز به کشورهای اروپایی صادر شده است.

و افزایش درآمد خانوارها خواهد بود. به گزارش ایرنا، ۱۳ شرکت تعاونی مرزنشین در گلستان فعالیت دارند که در راستای ساماندهی و شفاف‌سازی از این تعداد چهار تعاونی اقدام به بروزرسانی مجامع خود کرده و هشت تعاونی دیگر نیز در حال برگزاری مجامع قانونی هستند تا با تکمیل این فرایند، تمامی تعاونی‌های مرزنشین استان در مسیر فعالیت پایدار قرار گیرند. استان گلستان با بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ترکمنستان، از طریق گمرک اینچه‌برون به بازارهای آسیای مرکزی، چین و جنوب کشور متصل است و به عنوان یکی از نقاط راهبردی ایران در تجارت فرامرزی شناخته می‌شود. این استان شمالی با تولیدات متنوع کشاورزی مانند گندم، پنبه، کلزا، سبزیجات و محصولات باغی، همچنین بخش‌های گردشگری خدماتی و بازرگانی، ظرفیت بالایی برای ورود به بازارهای